

اداره و تقسیمات کشوری ایران

نخستین بار که از تقسیمات کشوری در تاریخ ایران سخن بمیان آمده بمهدداریوش هخامنشی است^۱. پیش از او حکومت ایران هرگز قلمروی بآن درجه از وسعت نداشت که سازمانی بزرگ جهت اداره آن بطلبد و لزوم تقسیم کشور بسواحد های اداری با کشوری محسوس افتد. مهنذا تجربه ماد و حکومت های مستقل واحد های جغرافیائی داخلی نه تنها طریق تقسیم کردن را بطور طبیعی ارائه داده بود^۲ بلکه طرز اداره این قسمت ها را نیز یاداده بود. در این دوره، بطور کلی کشور بر اساس واحدها و ایالات

بقلم:

نظام و دیوبی
« دکتر و خیرانی »

۱- مشیرالدوله (حسن پیرنیا) - در جلد اول - ص ۵۷۶ گوید

« داریوش پس از فرونشاندن شورش های داخلی باینکار اساسی پرداخته شاهنشاهی ایران را بایالاتی تقسیم کرد و برای هر یک تشکیلاتی مقرر داشت. (منبع اطلاعات: کتیبه های داریوش اول در بیستون و تخت جمشید و نقش رستم و نوشته های هرودوت و سایر مورخان یونانی). و از این جا استنباط می شود که آرامش داخلی کشور نیز از لوازم توجه بامر تقسیمات کشوری است. ۲- موضوع تقسیم قلمروها بر اساس واحدهای جغرافیائی داخلی، از پیش از شاهنشاهی ماد هم، در میان آریائی ها معمول بوده است چنانکه در اوستا به نام هفند، قلمرو، محل سکونت آریائی ها اشاره شده است (رجوع کنید به پیرنیا ص ۱۵۷ و ۱۶۶ ج ۱ و ص ۱۲۲ آناهیتا تألیف پورداد

که همان ساتراپ‌ها و خسترپاون‌ها بوده‌اند تقسیم می‌شده است. عدد این ایالات و حدود آنها هرگز ثابت نبوده است و بستگی به پیروزیهای نظامی داشته‌است.

چنانکه عدد ایالت نشینهای مختلف در دوره داریوش از ۲۰ الی ۲۸ تغییر کرده است یعنی بتدریج که لشکر کشیهای وی توسعه میافته ممالک مفتوحه ضمیمه و عدد ایالات افزوده می‌شده است.^۳

برطبق نوشته‌های موجود^۴ ایالات ایران بعهد داریوش اساساً به دو دسته تقسیم می‌شده‌اند، یکدسته آنها که در فلات ایران بوده‌اند و دیگری آنها که در دامنه غربی زاگرس و پارس قرار داشته‌اند.

ایالات فلات ایران عبارت بوده‌اند :

- ماد، هیرکانیا یا کرکان
- پارت یا خراسان
- زرنگ یا سیستان
- اریه
- خوارزم (خیوه)
- باکتريا (باختر)
- سفدیانا (بخارا و سمرقند)
- گندار (افغانستان غربی) و ولایت طایفه سکا
- ساتاژیدیا
- آراخوسیا
- ماکا (محتملاً مکران است)

۳- برای آگاهی اذنام و شماره ایالات و ساتراپ نشینهای دوره داریوش به ترجمه کتیبه بیستون و ترجمه کتیبه‌های کانال سوئز رجوع کنید.

۴- رجوع کنید به آثار هرودوت، مشیرالدوله و سایکس و هر اثر مفید دیگر درباره تاریخ ایران باستان.

ولایات غرب زاگرس و پارس

- ایلام یا اووازا Uvgia (سوزیانا)

- بابل

- کلد

- آشور قدیم (آثورا)

- عربستان (شامل قسمت عمده‌ای از سوریه و فلسطین)

- مصر (مشمول بر فنیقیه - قبرس - جزایر یونان) و یونان (مشمول بر لیکیه

و کاریه و یونانی نشینهای سواحل)

- اسپاردا (مشمول بر لیدیه و اراضی غرب رود هالیس) و ارمنستان و کاپادوکیه.

این طرز تقسیم مملکت از لحاظ جغرافیائی اهمیت بسیار دارد زیرا دیده

میشود که عملاً واحد جغرافیائی فلات ایران از شخصیت جغرافیائی خود

شخصیتی سیاسی ساخته و این امر بسیار طبیعی است. همچنین اراضی بیرون از

فلات ایران که در حقیقت واحد هائی جغرافیائی مستقلی بوده و خصوصیت

متصرفات و ممالک مفتوحه را دارند نیز شخصیتی جداگانه یافته است، خود

این اثر جغرافیا را در اولین تقسیمات کشوری و سیاسی بجا نهاده است.

این طرز تقسیم بعهد داریوش همراه با اقداماتی سیاسی بوده است از

جمله آنکه هر قسمت داخلی که نام آنها فوقاً بر شمرده شد در عمل وسیله یک

ساتراپ یا خستر پاون یا شهر بان و نگهبان کشور و یک سردار و یک دبیر اداره

می شده که بقول بسیاری از مورخان با اعزام بازرسان خاص بهترین وجه

انتظامات در استانها را نگهداری کرده اند، بویژه آنکه در امور اقتصادی و

اجتماعی داخله از استقلال زیادی هم بهره مند بوده اند^۵

۵- شاهان میخامنشی و مخصوصاً داریوش پارس را یک قلمرو سلطنتی تلقی کرده و اهالی آن مالیات نمیدادند. تنها هر زمان شاه به آنجا میآمده است هدایائی ارسال می- داشته اند این یک حالت استثنائی است که زائیده حکومت خانواده ها و قدرت مناطق سیاسی تاریخی است که شاید بتوان بنوعی اشرافیت سیاسی منطقه ای حمل نمود و افتخاری است برای منطقه ای که شاه از آنجا برخاسته است.

آنچه در دوره هخامنشی در مورد تقسیم کشوری صورت گرفت به‌مهد دیگر سلسله‌ها نیز بعنوان يك روش عملی موفق دنبال شد چنانکه بیايد .
 مهذا مورخینی مثل هرودت ، وقتی از قسمتهای مختلف که مملکت از آنها تشکیل می‌شده است نام می‌برند ایالات را بنام مردمان و مملکت را در نتیجه بحسب اقوام و ملل و مالیات تقسیم می‌کنند . باینترتیب بزعم هرودوت ایران هخامنشی به ۲۰ ایالت تقسیم میشود . اما شماره بندی این ایالات از خود اوست و خود ایرانیان هرگز بایالات خود نمره نمیداده‌اند و صورتی که از این بیست ایالت نزد هرودوت آمده نباید شماره بندی استانها را تجویز کند^۶ تقسیم کشور از نظر سیاسی و مالی کاریست که در عهد بعد نیز تکرار شده و مخصوصاً در دوره صفوی آنرا نزد مورخان نامور می‌یابیم^۷ و همین شیوه‌ای شد برای مؤلفان که در بخش جغرافیای اداری (باصطلاح مینورسکی) ایالات بحسب مالیاتی که می‌دهند ردیف کند .

بمهد اشکانیان بار دیگر اثری از تقسیمات کشوری می‌یابیم اما بصورتی متفاوت . باینترتیب که این بار شرف سیاسی از آن پارت است و مملکت اساساً بدو قسمت یکی ممالک پارت و دیگری ممالک تابعه خود بدو گروه تقسیم می‌شده‌اند . نخست گروه ممالکی که از ایالات دولت پارت بشمار رفته و هر کدام دارای يك والی (ویتا کسا)^۸ بوده‌اند و دوم گروه ممالکی که تابع پارت بوده اما والی نداشته‌اند بلکه خود پادشاهی دست نشانده شاه اشکانی داشته‌اند^۹

عدد ایالات والی نشین در دوره اشکانیان ۱۴ یا ۱۵ بوده که بعضی مورخان چون آمین مارسلن ۱۸ والی نشین ذکر کرده‌است که پارس و خوزستان جزء

۶- رجوع کنید به تاریخ ایران باستان - حسن پیرنیا - ص ۱۴۷۱ و کتاب هرودوت ترجمه دکتر هدایتی .

۷- رجوع کنید به سازمان اداری حکومت صفوی - مینورسکی - ترجمه رجب‌نیا ص ۱۸۲ پیغمد و تذکره الملوك چاپ دبیرسیاقی مقاله دوم درس ۷۲ به بعد

۸- Vitaxa در دوره پارت‌ها بجای شهر بان و خشرپاوان بکار رفته و آن بمعنی سواره نظام و والی شاه‌است .

۹- رجوع کنید به تاریخ ایران باستان جلد سوم - ص ۲۶۴۶

آنها نیست چه اولی همیشه و دومی بیشتر اوقات شاه نشین بوده است و اثر سابقه تاریخی وبعد جغرافیائی در اداره این ایالات والی نشین یا تابعه مسلم است. ایالات والی نشین عبارت بوده اند از:

- ۱- بابل
- ۲- اپولونیاتیس Apolloniatis
- ۳- خالونیت
- ۴- کارنیا- محتملا نهاوند است
- ۵- کامبادن (کرمانشاه)
- ۶- مادبالا (همدان)
- ۷- ماد پائین یا ماد رازی (ری)
- ۸- خواران (خار)
- ۹- کمسیسن (قومیش) دامغان
- ۱۰- وهرگان (گرگان)
- ۱۱- استوئین (؟)
- ۱۲- پارت خاص
- ۱۳- آبا آوارتاکن (جزء پارت خاص)
- ۱۴- مرگیان (مرو)
- ۱۵- آریا (هرات)
- ۱۶- انائوئر (جزء هرات)
- ۱۷- زرننگ (سیستان)
- ۱۸- ار آخوزیا (رخج یا هند سفید)

درست است که هجده واحد سیاسی بشرح فوق در دوره اشکانی مشخص می شود اما تکلیف بسیاری از آنها بتحقیق روشن نیست و همچنین بعض ایالات قدیمی ایران نام برده نمی شود مثل باختر، سفد، پاراپامیزاد.

اما ایالات یاممالک پادشاه نشین بمهداشکانیان بشرح زیر مستفاد میشود.

- ۱- ماد کوچك (آذربایجان)

۲- ارمنستان

۳- آدیابن

۴- خسرون

۵- الحضر

۶- خوجستان (خوزستان)

۷- پارس

۸- بعض ایالات دیگر مانند باختر، سیستان و کرمان نیز باغلب احتمال

چنین وضعی را داشته‌اند.

اشکانیان سخت از فتودالیم واحدهای جغرافیائی که پیش از آنها وجود داشت تبعیت کردند و هرگز تقسیمات تازه‌ای را برای کشور بجز آنچه که بود؛ عنوان نکردند و باین اکتفا کردند که ایالات استقلال خود را داشته باشند و باج را بموقع بیارت بفرستند زیرا قدرت جهانداری و جهانگشائی هخامنشیان را نداشتند. باین ترتیب بار دیگر اثر وحدت جغرافیائی ایران بر نظام حکومتی و اثر واحدهای جغرافیائی داخلی در امر تقسیم کشور بچشم میخورد.

بعهد ساسانیان دو عامل موجب توجه بامر تقسیمات کشوری شد:

نخست آنکه قیاد میخواست اصلاحاتی انجام دهد و تقسیمات قبلی جواب گوی این برنامه نبود. از جمله آنکه شخص شاه مرکزیت فوق‌العاده یافته بود و هر استاندار و مرزبان مستقیماً برای هر امر کوچکی مجبور بوده بوی مراجعه کند.

دوم آنکه مسائل خارجی و دشمنان آماده حمله پشت خطوط مرزی مشکلاتی برای دولت مرکزی بوجود آورده بودند که دولت ناگزیر بود در تقسیمات کشوری تجدید نظر کرده ملاحظات نظامی را در آن مرعی بدارد. براین اساس کشور ایران بعهد ساسانیان مخصوصاً در دوره خسرو اول به چهار بخش یا کوست تقسیم شد بشرح زیر:

۱- خور آسان یا خور آیان بمعنی جائیکه خورشید از آنجا برمی‌آید شامل خراسان کنونی و خوارزم و بخارا و سغد و گرگان و سیستان و بلوچستان و دیگر ولایات شرقی بوده است که جمله را کوست خاوری باید دانست.

۲- خوربران : بمعنی جائیکه خورشید از آنجا می‌رود شامل عراق و کرمانشاهان و کردستان و دیگر ولایات غربی ایران شهر که جمله را بایستی کوست باختری دانست.

۳- باختر (بمعنی شمال بوده) شامل آذربایگان و ارمنستان و گرجستان قفقاز و تیورستان (مازندران) و دماوند بوده که جمله را بایستی استان شمال دانست.

۴- نیمروز بمعنی جنوب: شامل خوزستان و پارس و کرمان و سگستان و سند که جمله را استان جنوبی باید دانست.

این تقسیم بندی خصایص جالبی دارد بشرح زیر:

الف- تقسیم کشور به چهار استان اصلی منطبق با جهات اربعه آنهم در کشوری که شکل هندسی آن بیك چهارضلعی شبیه‌تر است ملهم از ملاحظات نظامی و جهت گیری دشمنان خارجی است. بنابراین قبل از هر چیز این تقسیم بندی نظامی است.

ب- هر يك از کوست‌ها فرمانروائی جدا گانه داشته که «پادوسپان» یا «مرزبان» نامیده می‌شده‌اند بنا بر این استانداران عملاً مرزبان بوده و این تکیه شدیدی است بر وظیفه اصلی آنان که مقایسه معنی دو کلمه خسترپاون و مرزبان تفاوت هدف تقسیمات کشوری را در دوره هخامنشیان ساسانیان میرساند.

ج- تقسیم بندی ایران یا بنا باصطلاح آنزمان ایران شهر به چهار استان امریست کاملاً مصنوعی و غیر جغرافیائی^{۱۰}.

میدانیم که انوشیروان بر اثر این تقسیم بندی حتی سپاه ایران را هم به چهار سپاه تقسیم کرد و همه اقدامات بعدی بر حول همین نقطه نظر نظامی اولیه دور زد. «گیرشمن» گوید:

۱۰- رجوع کنید به: چهل مقاله از کسروی - گرد آورده یحیی ذکاء -

• • • ایران نامه عباس شوشتری ص ۱۶۲

• • • ایران از آغاز تا اسلام ترجمه دکتر محمد معین - ص ۳۷۴-۳۷۵

«تقسیم مملکت به قطعات، که گاه مصنوعی مینمود- غالباً برای جریان اداره امور آن، که قطعاً به طور دقیق تنظیم شده بود اما فاقد نرمش لازم برای استفاده از فعالیت خلاقه ثروت بود، مساعد نبود.»
و کریستن سن گوید:

«این چهارمرزبان در مرتبه قرین خانواده های سلطنتی و مثل آنان لقب و عنوان شاهی داشتند»^{۱۱}

باری مملکت باین ترتیب به چهار بخش و در هر بخش ایالات و ولایاتی بوده که در اینجا بمانند زمان هخامنشیان حدود هیچیک ثابت نیست و در بسیاری از موارد جنبه لشکری مرزبانان برجسته کشوری آنها بستری دارد. امور کشوری را ما موران جزء مثل شهریک و دیهیک ها اداره می کردند و مرزبانان بهنگام جنگ مانند سرداران دیگر زیر فرمان اسپهبدان بوده اند.

ایالات به اجزائی چند تقسیم میشده هر یک را یک استان می گفته اند استناداران هم مثل مرزبانان نیروئی نظامی در اختیار داشته اند و گاهی هم در حکم و بمثابه مباشران املاک سلطنتی بوده اند^{۱۲}

تقسیم ایالات به اجزاء در دوره ساسانی همیشه از مقتضیات سیاسی و اداری تبعیت کرده بخشهای کوچکتر از استان را شهر و مرکز آنرا شهرستان و حاکم آنرا شهریک^{۱۳} می گفته اند. رئیس ده را دیهیک یاده سالار ده یا روستا و مزارع و توابع آنرا روستاک^{۱۴} می گفته اند.

رویه مرفه تقسیمات کشوری دوره ساسانی زائیده دو ضابطه مقتضیات نظامی و بزرگ ملکداری خاندان های ساسانی و هیأت حاکمه است و از لحاظ جغرافیائی خلاف آنچه بعهد هخامنشیان دیده می شود ارزشی ندارد مگر در قالب کلی خود طرح تقسیمات کشوری ساسانی رنگ و روئی نظامی دارد

۱۱- ایران در زمان ساسانیان - کریستن سن چاپ سوم ۱۳۴۵ ص ۱۲۲ و فصل اداره ایالات ایران

۱۲- همان منبع ۱۶۰

۱۳- بمری رییس ال کوره ضبط کرده اند (یعقوبی)

۱۴- بمری رستاق ضبط شده است.

درداخل و درپایه مجبور باطاعت و تبعیت از واحد جغرافیائی روستاهاست و می توان گفت که تقسیمات کشوری ساسانی پایه ای طبیعی و جغرافیائی و بالاتنه ای نظامی و غیر طبیعی و روحی فتودالی دارد که خواه ناخواه با تحولات بعد از اسلام دگرگون شد و تنها میانی و پایه جغرافیائی و طبیعی آن با انکائی که ایران بعد از اسلام بازیراقتصاد روستائی داشت بجاماند.

بعد از اسلام در دوره صفویه که بازوحدت حکومت برقرارشد، بصراحت موضوع اداره و تقسیمات کشور عنوان می شود که با اصطلاحات و لغات تازه ای همراه است که بعضی ویژگیها را ذکر می نمایم.

۱- اصطلاح ممالک محروسه بمعنی ایالات حکومتی و استانهای کشوری است که از طریق دیوان ممالک اداره می شود و از خاصه یاخالصه متمایز است.
۲- اصطلاح مملکت مترادف قلمرو و تقریباً چیزی غیر از ایرانشهر ساسانیان است.

۳- کلمه دولت معادل خوشبختی و حجابی است بر تمام دستگاه حکومتی تحت نظر فرمانروای همایون.

۴- املاک یاخالصه و خاصه اند که از آن دربار سلطنت اند و یا متعلق به دیوان (دفتر) که مال مصالح نام دارد.

بعهد صفوی تمایل شدیدی بافزایش خالصه وجود دارد که از قدرت اداری کشوری میکاست^{۱۵}

۵- استان گاهی بمعنی مملکت است و حکام آنان را بتفاوت **بیگ** و **بیگ بیگی**، **خان**، **سلطان** می نامند و اینها مأمورانی دائمی اند.

۶- دیوان ممالک چیزست شبیه وزارت کشور.

۷- اداره املاک سلطنتی یا دیوان خاصه بود و وزیر دربار مستوفی بود که بظاهر از وزیر اعظم تبعیت میکرد و امانماینده گان وی در املاک همان **باشوران** بوده اند. چند نوع تقسیم بندی کشور از دوره صفوی میشناسیم که از مطالعه

۱۵ - مثلاً بعهد شاه عباس دوم بتوصیه وزیر اعظم ساروققی ترتیب حکومت احکام را در ایالاتی که در آنجا بیم جنگ نبود مانند گیلان - مازندران - قزوین - یزد - کرمان - خراسان - آذربایجان برانداخت.

آنها چنین بومی آید که دو ضابطه مالیات «مداخله‌ی»، و مقتضات نظامی در آنها مؤثر افتاده و از آنجا که صفویه همیشه در آرزوی احیای قدرت و شکل حکومت ایران زمان ساسانی بوده‌اند بی‌شک تحت تأثیر آنها قرار گرفته بویژه آنکه اقتصاد زمین داری و فتو‌الیزم ایران مسلمان شده از یک سو و روابط خارجی پر از مخاطره و دشمنان پشت خط مرزی نیز همان ملاحظات نظامی نیز از سوی دیگر آن شرایط اداری و تقسیم کشوری را می‌طلبد.

استانداران در این دوره همان‌والبان‌اند و بیکریگی‌ها مرزدار و سلطان‌ها حکومت ایالاتی‌اند که اشرافیت سیاسی دارند مثل سلطانیه.

ایالات مداخله‌ی بده صفویه

هرات	تبریز
مشهد	چخور سعد (ارمنستان)
قندهار	قرباغ (گرجستان)
مرو	شیروان
سیستان	همدان
استرآباد	فارس
گیلان	خوزستان
کرمان	کردستان
	لرستان

اساس ترتیب حدود حکومتی

شمالغرب - آذربایجان و ماوراء قفقاز
 مشرق - خراسان بزرگ
 شمال - سواحل دریای خزر
 جنوب شرق - کرمان
 مرکز - عراق
 مغرب - کردستان و لرستان
 جنوب و جنوب غرب - فارس و خوزستان.

این تقسیم‌بندی فوق‌العاده اهمیت دارد و نشان می‌دهد که صفویه تا چه پایه در تقسیم حدود حکومتی خود یا جای‌پای ساسانیان بعمد یا باجبار نهاده‌اند و از همان ضابطه جهات اربعه و بملاحظات نظامی پیروی کرده‌اند حتی بعضی منابع مثل شاردن مینویسد «ایران به چهار ایالت تقسیم شده است» عراق - فارس - آذربایجان - خراسان.

در میان ایالات آن زمان شیراز ورشت وزیر نشین و کردستان و لرستان و خوزستان و گرجستان والی نشین بوده است. گاهی اوقات والی نشین‌ها تبدیل به بیگلربیگی می‌شده‌اند چنانچه کرمان یکبار باینترتیب تنزل کرد.

بیگلربیگی نشین‌های عهد صفویه عبارت بوده‌اند از :

هرو	آذربایجان - تبریز
هرات و قندهار	ارمنستان - چخور سعد
کرمان	گرجستان - قراباغ
کوه کیلویه	کنجه و شیروان
قزوین	استرآباد
همدان	مشهد

واحد‌های اصلی ایالتی عبارت بوده‌اند از :

- ۱ - آذربایجان ۲ - خراسان ۳ - استرآباد ۴ - دارالمرز ۵ - کرمان
- ۶ - عراق ۷ - کردستان ۸ - فارس ۹ - خوزستان ۱۰ - گیلان.

خان‌ها حکام شهر و بجای شهریک دوره ساسانی‌اند معهداً قدرت یک رئیس ایل در آنها وجود داشته و هر ناحیه حکومت می‌کرده‌اند.

باری تقسیمات کشوری دوره صفویه از خیلی جهات شبیه بدوره ساسانی است و خصایص ویژه آن اینست که اولاً هر چه بواحد جزء و بسمت اجزاء می‌رویم طبیعی‌تر است. ثانیاً اثر ملاحظات نظامی در آن زیاد است. ثالثاً تحت تأثیر زوال بزرگ ملکداری و فتودالیزم بعد از اسلام می‌باشد. رابعاً از نظام ایلیاتی

نیز بعضاً تبعیت کرده است^{۱۶} بنابراین تقسیمات کشوری دوره صفویه نیز شامل همان معایب تقسیمات دوره ساسانی است و بهر حال در کل ارزش جغرافیائی آن بسیار ضعیف بوده و در بسیاری از موارد مصنوعی است.

معهدا واحدهای بزرگ صنعتی و جغرافیائی ایران از این دوره ببعده وسیع تر میشوند و حدود ایالات از این ببعده تا عهد قاجارته مرزهای طبیعی خود را پیدا می کنند و اینرا ما در واحدهای دهگانه سیاسی که فوقاً برشمردیم ملاحظه می کنیم.

بعد از صفویه حکومتها در ایران ندرتاً بکار تقسیمات کشوری اقدام کردند و بیشتر کار خود را بر روال و سیاق گذشته استوار ساختند. افشاریه و زندیه و قاجاریه به تبعیت از واحدهای طبیعی مجبور بودند زیر شرط اعلام يك تقسیم تازه تحت تسلط سیاسی بر تمامی واحد کشور است و این وحدت سیاسی گرچه در دوران افشاریه و قاجاریه بچشم می خورد اما فاقد ثبات مرزی است.

در دوره قاجاریه اقتصاد فئودالی و ضعف حکومت مرکزی دولت را بهمان تقسیماتی که بود تسلیم میکرد و در نتیجه ضعف سیستم ارتباطی حکومت ایالات پای خود را بداخل حریم طبیعی خود واپس کشیدند و واحدهای طبیعی در جلد واحدهای سیاسی رفتند و برعکس.

در اوائل دوره قاجاریه چنانکه از مندرجات تواریخ قاجار بر میآید قلمرو ایران را نظر تقسیمات اداری و حکومتی به پنج حکمرانی و ۱۲ حکومت نشین مستقل تقسیم میشده است:

۱- حکمرانی آذربایجان مقر ولیمهد، شامل آذربایجان، همدان و زنجان.

۲- حکمرانی ایالتین کردستان و کرمانشاهان و سرحد عراقین که لرستان نیز همیشه سرجمع آن بوده است.

۱۶- برای دریافت وضع اداره و تقسیمات کشوری رجوع کنید به مینورسکی «سازمان اداری- حکومت صفویه، بدون توجه بتفسیرات یا عدم تفسیر لازم».

۳ - حکمرانی فارس شامل فارس و بنادر و جزایر و کوه کیلویه و بختیاری و خوزستان .

۴ - حکمرانی خراسان شامل خراسان و سیستان .

۵ - حکمرانی کرمان و بلوچستان .

ولی از سال ۱۲۳۷ هجری که شاهزاده محمد علی میرزا دولت‌شاه حکمران ایالتین کردستان و کرمانشاهان در گذشت ، قلمرو حکمرانی او بچند حکومت نشین تقسیم گردید و ایران از نظر تقسیمات کشوری شامل چهار ایالت و ۱۵ حکومت نشین شد و این وضع تا اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه برقرار بود . در این زمان بر حسب مندرجات ملحقات تألیفات صنیع الدوله ۱۷ استنباط میشود که کشور ایران از نظر تقسیمات کشوری به چهار ایالت و ۲۳ ولایت نامساوی و نابرابر از لحاظ اهمیت درجه سیاسی تقسیم می شد . هر ایالت وسیله یک نفر والی و هر ولایت وسیله یک نفر حاکم و هر بلوک وسیله یک نفر نایب الحکومه اداره میشد . والی ها از سوی پادشاه انتخاب و تعیین میشدند و حکام منتصب وزارت داخله (کشور) آن روز گار بودند . بیست و هفت قسمت ایران آن زمان بشرح زیر ثبت شده اند .

- | | | |
|----------------------------|---|----------------------|
| ۱ - ایالت آذربایجان | ۱۰ - خمسه | ۱۹ - بختیاری |
| ۲ - ایالت خراسان و سیستان | ۱۱ - همدان | ۲۰ - یزد |
| ۳ - ایالت فارس و لارستان | ۱۲ - عراق | ۲۱ - بروجرد |
| ۴ - ایالت کرمان و بلوچستان | ۱۳ - ملایر - نهاوند - توپسرکان (ولایات سه گانه) | ۲۲ - کردستان |
| ۵ - کیلان | ۱۴ - قم | ۲۳ - کرمانشاهان |
| ۶ - مازندران | ۱۵ - ساوه و زرند | ۲۴ - لرستان |
| ۷ - گرگان (استرآباد) | ۱۶ - کاشان | ۲۵ - خوزستان |
| ۸ - تهران | ۱۷ - کمره - گلپایگان - خوانسار - محلات | ۲۶ - بنادر خلیج فارس |
| ۹ - قزوین | ۱۸ - اصفهان | ۲۷ - کویرهای مرکزی |

۱۷ - رجوع کنیده کتابهای منتظم ناصری (سه جلد)، مآثر السلطان، التدوین فی احوال جبال الشروین، مطلع الشمس، مرآة البلدان و غیره .

واما در مورد خوزستان باید گفت که این ناحیه در طول سلسله قاجاریه گاهی سر جمع فارس و زمانی جزو حکمرانی لرستان و هنگامی ضمیمه حکومت کوه گیلویه و بختیاری و موقعی هم بصورت حکومت مستقل و تابع مرکز بوده است.^{۱۸}

بعلاوه باید دانست که در دوره قاجاریه تا اوایل مشروطیت، در تقسیمات کشوری و اداری، وضع ثابت و معینی وجود نداشته است و هر زمان بنا بر مقتضیات در تقسیمات کشوری و در مدارج اداری تغییراتی داده میشد ولی بهر حال، تقسیمات فوق خصایص جالبی را عرضه میکند بشرح زیر:

- ۱ - هر قسمت با واحد جغرافیائی کوچک و یابزرگی تقریباً تطبیق میکند
- ۲ - بعضی قسمت ها بسیار بزرگ مانند خراسان و سیستان یا کرمان و بلوچستان و غیره و بعضی دیگر بسیار کوچک مانند بروجرد است.
- ۳ - بعضی قسمت ها که ظاهر وحدت جغرافیائی خاصی دارند (مثل - بنادر خلیج فارس) محدوده قابل قبولی را از لحاظ سیاسی ارائه نمیدهند.
- ۴ - قسمت هایی مثل کویرهای مرکزی مشخص کننده نواحی آباد نبوده شاید منظور اصلی واحد جغرافیائی پیرامون کویر باشد.
- ۵ - بعضی قسمت ها بسیار طبیعی و معقولند مانند گیلان و گسرگان و مازندران.

۶ - چنانچه بعضی از قسمت های بزرگ را در قالب جغرافیائی خود تجزیه کرده و بعضی از قسمت های کوچک را در قالبی جغرافیائی در هم ادغام کنیم گرتة صحیحی از یک تقسیم بندی جغرافیائی بدست می آید مثال تقسیم ایالت

خراسان و سیستان

کرمان و بلوچستان

بروجرد و لرستان

وادغام

- همدان و اراک - (عراق) و غیره

بنظر میرسد که بهر حال اساس بزرگی و کوچکی تقسیمات فوق میزان

۱۸ - رجوع کنید به کتابهای تاریخی دوره قاجاریه

آبادانی و مداخل دهی بوده و چون میزان مداخل با اقتصاد کشاورزی و این یکی با استعدادات طبیعی و مقتضیات جغرافیائی در رابطه است واحدهای سیاسی ایران بر احتی در داخل واحدهای جغرافیائی جا گرفته اند .
بعهد رضاشاه کبیر ایران بدلائلی چند مجبور بود در تقسیمات کشوری خود تجدید نظر کند این ملاحظات عبارتند از :

۱ - مقتضیات رژیم حکومتی جدید و خاصه نظامی

۲ - تحول کامل در نظام اداره مملکت

۳ - تحول وسایل ارتباطی بویژه راهها و وسایل حمل و نقل و غیره

۴ - اجرای برنامه‌های تازه اقتصادی

معهدنا ملاحظات نظامی از یکسو و شتابزدگی‌ها از سوی دیگر تقسیم‌بندی جدید را از مبانی واقعی بدور کرد . تقسیمات کشوری ایران در آبانماه ۱۳۱۶ صورت قانونی بخود گرفت که طرح اختصاری آن چنین است .^{۱۹}

توابع	استان‌ها
زنجان - قزوین - ساوه - اراک - رشت - شهبوار	استان یکم
قم - کاشان - تهران - سمنان - ساری - گرگان	دوم
تبریز - اردبیل	سوم
خوی - رضائیه - مهاباد - مراغه - بیجار	چهارم
ایلام - شاه آباد - کرمانشاهان - سنندج	پنجم
ملایر - همدان	
خرم آباد - گلپایگان - اهواز - خرمشهر	ششم
بهبهان - شیراز - بوشهر - فسا - آباده - لار	هفتم
کرمان - بم - بندرعباس - خاش - زابل	هشتم
سبزوار - بیرجند - تربت حیدریه - مشهد	نهم
قوچان - بجنورد - گناباد	
اصفهان - یزد	دهم

۱۹ - برای طرح تفصیلی این تقسیم‌بندی تا سطح بخش به ضمیمه در پایان این مقاله رجوع کنید.

خصوصیات تقسیم‌بندی فوق بشرح زیر است

۱- کشور ایران به ۱۰ استان و هر استان به چندین شهرستان (و کلا ۴۹- شهرستان) تقسیم میشود. هر شهرستان مشتمل است بر چند بخش و هر بخش مرکب میشود از چند دهستان و هر دهستان مشتمل بر چندین قصبه و دهکده است. متأسفانه تعریف هیچ‌یک از واحدهای سیاسی فوق روشن نشده و ضوابط تشخیص آنها معلوم نیست.

۲- استانهای ابداعی و نوظهور فاقد هر نوع خصیصه جغرافیائی اند مانند استان یکم که در آن زنجان و اراک و پهلوی و نوشهر و رشت در یک واحد سیاسی گنجانده شده است و استان دوم که در آن قم و ساری و تهران و بابل و سرکجا آمده‌اند و در استان پنجم همدان و ایلام و در استان ششم اهواز و خرم آباد و آبادان و گلپایگان.

۳- ملاحظات ارتباطی این تقسیم‌بندی با توجه بوضع زمان ضعیف است.

۴- تقسیم‌بندی فوق هرگز نمیتواند ملاک یک برنامه‌ریزی اقتصادی منطقه‌ای باشد.

۵- در این تقسیم‌بندی بعضی قسمتها که در تقسیمات کشوری پیش از آن از هم جدا بوده‌اند ادغام شده و بهیچ روی علت آن هویدا نیست مانند ادغام یزد و اصفهان (استان دهم) و سیستان و بلوچستان و مکران و کرمان (استان هشتم) خراسان - معهدا بعضی قسمتها و حدت تاریخی خود را حفظ کرده‌اند مانند فارس، خراسان.

۷- مهم‌ترین نقیصه این تقسیم‌بندی خطاب عدوی و نامیدن استانها بحسب شماره می‌باشد که بهیچ روی قابل توجیه نیست.

دلایل زیاد دیگری بر نادرستی تقسیمات فوق نیز موجود است، بهمین دلیل عمر آن بسیار کوتاه بود و از تاریخ بعد از شهریور ۲۰ تدریجاً تغییراتی در آنها داده شد و مجوز آنها پیش‌بینی‌های تجدید نظر در همان قانون بود. طی بیست و پنج سال اخیر تقسیمات کشوری ایران مکرر در مکرر تغییراتی

بخود دیده است که براساس آخرین آنها ایران به ۱۴ استان و فرمانداریکل
و ۱۴۵ فرمانداری و ۴۵۴ بخشداری تقسیم شده است بشرح زیر .

وزارت کشور

تقسیمات کشوری - شاهنشاهی ایران

مصوب

شامل ۱۴ استان ۶ فرمانداریکل ۱۴۵ فرمانداری و ۴۵۴ بخشداری

۱- استانداریهها

تعداد بخشداری	تعداد فرمانداری	مرکز استان	استان
۴۴	۱۴	تهران	مرکزی
۲۶	۱۱	رشت	گیلان
۳۴	۱۰	ساری	مازندران
۳۲	۱۰	تبریز	آذربایجان شرقی
۱۸	۷	رضائیه	آذربایجان غربی
۱۷	۵	کرمانشاه	کرمانشاهان
۳۰	۱۲	اهواز	خوزستان
۳۱	۱۱	شیراز	فارس
۱۷	۶	کرمان	کرمان
۵۲	۱۵	مشهد	خراسان
۳۰	۱۰	اصفهان	اصفهان
۲۱	۵	زاهدان	بلوچستان و سیستان
۱۶	۶	سنندج	کردستان
۲۳	۵	بندرعباس	استان ساحلی بنادر و جزایر خلیج فارس و بحر عمان

۲- فرمانداریها

تعداد بخشداری	تعداد فرمانداری	مرکز فرمانداریکل	فرمانداریکل
۸	۲	شهر کرد	بختیاری و چهارمحال
۷	۲	یاسوج	بویراحمد سردسیر و کهگیلویه
۸	۳	سمنان	سمنان
۱۰	۲	همدان	همدان
۱۷	۳	خرم‌آباد	لرستان
۱۳	۴	ایلام	ایلام و لرستان و پشتکوه

از آنجا که بررسی نقد تقسیمات کشوری کنونی در شرایط فعلی ایران زائد بنظر می‌رسد و اهمیت مسئله تقسیمات کشوری در ایران کنونی که بسرعت در حال پیشرفت است بیش از اینهاست ذیلاً مسئله را بطرز وروالی علمی و جغرافیائی مورد بحث قرار میدهم تا یکبار برای همیشه ضوابط این امر روشن شود.

ضمیمه تقسیمات کشوری بر اساس قانون آبانماه ۱۳۱۶ خورشیدی

استان یگم

شهرستان	بخشهای تابعه
۱- زنجان	زنجان - ابهر - سیروان - قیدار - ماه‌نشان
۲- قزوین	قزوین - بوئین - ضیاءآباد - معلم کلابه - آوه - آبیک
۳- ساوه	ساوه - نوبران
۴- اراک	اراک - فرمهین - ترخواران - سربند - وفس
۵- رشت	رشت - فومن - رودبار - لاهیجان - بندرپهلوی
۶-	کوچصفهان خمم - لنگرود - شفارود

استان دوم

- | | |
|---|------------|
| قم - کهک - دستجرد - محلات | ۷ - قم |
| کاشان - قمصر - میمه - نطنز | ۸ - کاشان |
| کن - افجه - شهرری - کرج - علی شاه عوض - ورامین | ۹ - تهران |
| ایوانکی - دماوند - کولج . | |
| سمنان - سنکسر - دامغان - شاهرود - میامی - گرمسار . | ۱۰ - سمنان |
| ساری - بهشهر - چهار دانگه - بابل - بابل سر - بندپی | ۱۱ - ساری |
| آمل - نور - لاریجان - شاهی - سواد کوه - فیروز کوه . | |
| علی آباد - بندر شاه - گومیشان - بندرگز - کردکوی - | ۱۲ - گرگان |
| کنبد قابوس - رامیان - مینودشت - داش برون - پهلوی دژ | |

استان سوم

- | | |
|--|-------------|
| تبریز - بستان آباد - آذرشهر - مرند - شبستر - اهر - | ۱۳ - تبریز |
| خدا آفرین . | |
| اردبیل - سراب - گرمی - مشکین شهر - آستارا - هرو آباد . | ۱۴ - اردبیل |

استان چهارم

- | | |
|---|-------------|
| خوی - ماکو - سیه چشمه - پلدشت - شاهپور . | ۱۵ - خوی |
| رضائیه - اشنویه - سلدوز . | ۱۶ - رضائیه |
| مهاباد - بوکان - سردشت - باهه - سقز - شاهین دژ - تکاب | ۱۷ - مهاباد |
| مراغه - مر حمت آباد - سراسکندر - میانه | ۱۸ - مراغه |
| بیجار . | ۱۹ - بیجار |

استان پنجم

- ۲۰ - ایلام - آبدانان - مهران - ارگوزای - دهلران جوار -
 بدره - اندیمشک (صالح آباد)
- ۲۱ - شاه آباد - شاه آباد - کرد - قصر شرین - ایوان .
- ۲۲ - کرمانشاهان - کرمانشاهان - کنگاور - هرین - صحنه .
- ۲۳ - سنندج - سنندج - قروه - کامیاران - سنقر - مریوان - اوی هنگ
 میران شاه - پاوه
- ۲۴ - ملایر - ملایر - نهاوند - تویسرکان
- ۲۵ - همدان - اسدآباد - رزن - کبوترجهانگ - سیمینه رود

استان ششم

- ۲۶ - خرم آباد - خرم آباد - سلسله - دلفان - چغروند - ویسیان - زاغه
 کوه دشت - ودوده - ملاوی - دورود - اشترینان
- ۲۷ - گلپایگان - گلپایگان - خمین - خوانسار - الیگودرز .
- ۲۸ - اهواز - اهواز - شوشتر - دزفول - مسجد سلیمان - طواف سفید
 راهرز - سوسن گرد - بستان - ایذه - قلعه زراس - ده دز - جانکی
- ۲۹ - خرمشهر - آبادان - قصبه - شادگان - هندیجان

استان هفتم

- ۳۰ - بهبهان - بهبهان - تلخسرو (شهرستان بهبهان قانوناً جزواستان
 هفتم ولی بطور آزمایشی بموجب تصویب وزارتت جزو
 استان ششم میباشد) .

شیراز - ۳۱	شیراز - فیروزآباد - ممسنی - کازرون - اردکان - زرقان فیروزکازرین .
۳۲ - بوشهر	بوشهر - برازجان - خرموج - ریگ - اهرم - کنگان - دیلم
۳۳ - فسا	فسا - نیریز - اصطهبانات - داراب - سعادتآباد .
۳۴ - آباده	آباده - سمیرم - بوانات .
۳۵ - لار	لار - لنکه - گاوبندی - بستک - جهرم - جویم .

استان هشتم

۳۶ - کرمان	کرمان - شهداد - راور - زرنند - رفسنجان - سیرجان ماهان - بافت .
۳۷ - بم	بم - سبزواران - ساردویه - کهنو - مشیز .
۳۸ - بندرعباس	بندرعباس - میناب - جاسک - قشم .
۳۹ - خاش	خاش - قصرقند - ایرانشهر - سراوان - بزمان - سرباز - چاه بهار - زاهدان .
۴۰ - زابل	زابل - میان کنکی

استان نهم

۴۱ - سبزواری	سبزواری - جغتای - ششتمد (تکاب) - داورزن - صفی آباد .
۴۲ - بیرجند	بیرجند - قاین - درمیان - مازان .
۴۳ - تربت حیدریه	تربت حیدریه - تربت حیدریه
۴۴ - مشهد	مشهد - طرهبه - احمدآباد - سرخس - فریمان - زورآباد - طیبات - نیشابور - کلات .

- ۴۵ - قوچان - شیروان - محمدآباد - لطف‌آباد - باجگیران
 ۴۶ - بجنورد - اسفراین - مانه
 ۴۷ - گناباد - بجستان - فردوس - طبس - کاشمر

استان دهم

- ۴۸ - اصفهان - نجف‌آباد - شهرگرد - شهرضا - اردستان
 کوهپایه - داران - فلاورجان - اردل - اردکان - اخوره
 ۴۹ - یزد - اردکان - نائین - خور - خضرآباد - خرائق -
 بافق - اشک‌زر - مهریز - تفت - نیر - شهر بابک

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی